

فصلنامه تحقیقات حدد د، علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

١٣٥-١٤٧، ص ١٣٩٨، نسخه هفدهم، حدید، شماره ٥، دوره ١٧، ۲۰۱۹، پ ۱۳۵-۱۴۷

شماره شاپا (۱۸-۷۶۴۲) ISSN (2476-7018)

تحلیلی بر ضرب سکه مستقل اسلامی در عصر امویان

رضا فراموزنیس! کاظم رحیمی! زهرا احمدی! عیاس عابدی!

۱. دکتری، تاریخ و تمدن اسلامی، تحصیلات تکمیلی، سیام نور تهران، مدرس دانشکده پرستاری، ام البنین.

reza.f2018@gmail.comreza.f2018@gmail.com

^{۲۰}. فوق لیسانس مدیریت اجرایی، وزارت کشور، شهرداری شهر خوزی، ایران

^{۳۰}. کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه بیام نور شیراز، دبیر آموزش و پرورش شهرستان محله: ایران

mohr1398@gmail.com

^۴. دانش، آموخته کارشناسی ارشد قاری بخ و تعمید: ملا اسلامی، دانشگاه بنی‌الملک، امام خمینی (ره) قزوین؛

کارشناس، فرهنگ و آموزش اداره کار، او قاف و امور خسرو استان، مازندران، ایوان

Aab.abedi55@gmail.com

حکیمہ

سکه ها بخش مهمی از حیات تاریخی هر عصر را به منصه ظهور می رسانند به گونه ای که وضعیت تاریخی آن دوره را بر اساس واقعیت به ما نشان می دهندا. یکی از منابع مالی و اقتصادی دوران امویان ضرب سکه و پول مستقل بود. ضرب سکه و پول در هر حکومت و دولتی از ضروریات بوده و باعث رونق اقتصادی و مالی آن حکومت و نظام میگردد. در دوران جاهلیت اعراب از سکه های کسری ایرانی و بیزانسی رومی استفاده می کردند که این روند در دوره رسول خدا (ص) و خلفای راشدین نیز ادامه یافت. امام علی (ع) جهت ضرب سکه اقدام کرد ولی سکه جدید اسلامی به طور رسمی و گسترده ضرب نگردید. در دوره امویان سکه مستقل اسلامی رسما و به طور گسترده ضرب گردید که در رشد مبادلات اقتصادی و مالی، داد و ادة بان بقشی، مهم، داشت.

در این پژوهش براساس تحلیل داده های تاریخی بررسی می گردد که در عصر امویان خلفای اموی اقداماتی برای ضرب سکه اسلامی مستقل انجام دادند تا اینکه در زمان خلافت عبدالملک مروان همزمان جنبش تعریب سکه های مستقل اسلامی ضرب گردید و این امر در پیشرفت مبادلات مالی تاثیر به سزاوی داشت.

واژه‌های کلیدی: امویان، ضرب سکه، عبدالملک مر وان، معاویه

مقدمه:

هر عصری برای رونق تجاري و مبادلاتي خود به سكه و پول احتياج دارد. ضرب سكه و پول در هر حکومت و دولتی از ضروريات بوده و باعث رونق اقتصادي و مالي آن حکومت و نظام ميگردد. سرزمين عربستان که در کنار دو امپراطوری بزرگ ايران و روم بود در سكه جهت مبادلات تجاري و بازارگانی خود کاملاً وابسته به اين دو امپراطوری بود. سكه‌های نقره و طلای ايراني و رومی جهت مبادلات ميان اعراب رواج داشت.

در دوران جاهليت در عربستان، پول مستقل و مخصوص وجود نداشت و سكه‌ی خاصی ضرب نمي‌گردد. آنها با دينارهای رومی (بيزانسي) و درهم‌های کسرائي (اياني) مبادلات و داد ستد های خود را انجام مي‌دادند. (ماوردي، بي تا: ۹۶ و بلاذری، ۱۹۷۹: ۴۵۲-۴۵۳) اعراب در مبادلات تجاري داخلی و خارجي خود از اين سكه‌ها استفاده مي‌کردند به گونه‌اي که اعتبار آنها در سراسر عربستان وجود داشت و همه آنرا قبول داشتند.

البته بلاذری مي‌نويسد که اگر سكه‌های رومی و ايرانی از سيم وزرخالص نبود اهل مكه با آنها معامله نمي‌کردن زيرا نزد آنها متفاوت وزن معيني داشت و آن برابر بود با بيست و دو قيراط و خرده اي کم. وزن دو درهم هفت متفاول بود. رطل دوازده اوقيه و هر اوقيه خود چهل درهم بود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲)

ويژگي سكه‌های رومي و ايرانی اين بود که بر روی اين سكه‌ها تصاویر پادشاهان، حيوانات، درها و تصاویری ديگر منقوش بود. درهم‌های ايرانی رايح در عربستان، سه نوع بودند از جمله الف: «درهم الوافي» ب: درهم‌های شش‌دانگي که «الجواز» ناميده مي‌شد. ج: در هم‌های چهار‌دانگي. (امام شوشري، ۱۳۳۹: ۶۶) بلاذری مي‌نويسد که در دوره جاهليت اعراب مكه حساسيت خاصی نسبت به دينارهای هرقيل (رومی) و در هم‌های بغلی ايرانیان که به مكه مي‌رسيد، داشتند به گونه‌اي که اگر اين سكه‌ها از سيم يا زرخالص نبود با آن معامله نمي‌کردند. آنها توجه به وزن و متفاول داشتند که برابر با بيست و دو قيراط و خرده اي کم بودو وزن دو درهم هفت متفاول بود. رطل دوازده اوقيه و هر اوقيه خود چهل درهم بود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲)

در زمان بعثت رسول خدا (ص) و تا زمان وفات آن حضرت (ص)، اقدامی برای ضرب سكه صورت نگرفت. طبق روال قبل از سكه‌های رايح رومی و ايرانی در داد و ستد ها استفاده مي‌گردد. در زمان رسول خدا (ص) هیچ تغييري در وزن سكه‌ها بوجود نيامد و همان وزني بود که در زمان جاهلي مرسوم بود. (همان: ۳۷۲ و ۳۷۳) زكات و جهزيه با همين سكه‌ها پرداخت مي‌شد از جمله مهريه حضرت فاطمه (س) که ۴۸۰ درهم کسروي بود. (سپهری، ۱۳۸۹: ۳۰۸) بلاذری روایتي نقل مي‌کند که درهم‌های ضرب شده توسيط ايرانیان گوناگون بود: کوچک و بزرگ. گاهی در همی به وزن يك متفاول بود که يك متفاول بيست قيراط بودو گاهی به وزن دوازده قيراط و يا ده قيراط يعني نيم متفاول بود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۱) وقتی که مسيحيان نجران قبول کردند، با مسلمانان صلح کنند قرار شد که مبلغی جزيء پردازند که قسمتی از اين

مبلغ، درهم و بخشی دیگر دینار بود و قسمتی هم به صورت کالا پرداخت می شد. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۱) این موضوع نشان دهنده این است که سکه‌ی مستقلی تا زمان وفات رسول خدا (ص) ضرب نگردید. در دوره‌ی اوبکراقدامی برای ضرب سکه صورت نگرفت، تا اینکه در دوره‌ی عمر خلیفه دوم اولین اقدام اسلامی برای ضرب سکه صورت گرفت. در این عصر به ضرب سکه‌های فلس مطابق سکه‌های رومی دست زدند که این سکه‌ها در سال هفدهی هجری ضرب شد، نام خلیفه به زبان عربی بر آن نقش بسته بود. (حسینی، ۱۹۶۹: ۴۱) در این دوره پس از فتح ایران و نیز تیسفون ضراب خانه ساسانیان با همه‌ی وسائل و قالب‌های آن، به دست مسلمانان افتاد و مسلمانان، صاحب آن وسائل گردیدند و امکان ضرب سکه برای ایشان فراهم شد آنها بر اساس روش ساسانیان اقدام به ضرب سکه کردند. (حقیقت، ۱۳۵۴: ش: ۱۹۵)

بعضی عقیده دارند که در سال ۱۵ هجری خالد بن ولید در شهر طبریه اقدام به ضرب دیناری کرد که دارای تاج و صلیب و چوگان بود که اسم و کنیه اش بر روی آن نقش بسته بود. (حلاق، ۱۹۷۶: م: ۲۴)

در زمان خلافت علی (ع) در سال چهلم هجری، سکه‌هایی ضرب شد که تمام آثار غیراسلامی از آن محظوظ شده بود، و بر یک طرف آن به خط کوفی عبارت الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد و در اطراف آن عبارت محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظه ره علی الدين کله و لو کره المشرکون، حک شده بود. ولی پس از حکومت آن حضرت، ضرب سکه‌های اسلامی متوقف شد و از رواج افتاد و نتوانست جایگزین سکه‌های قبلی گردد. (کتابی، بی: تا: ۴۱۸-۴۲۲)

تحولات ضرب سکه در عصر امویان

در دوره‌ی امویان در ضرب سکه تحولاتی به وجود آمد که در تحولات اقتصادی و مالی دوران آنها موثر بود. در این دوره در روایات تاریخی از افراد متعددی جهت ضرب سکه نام برده اند که بعضی از افراد خلفای اموی هستند و بعضی افراد از عاملان و والیان آنها می‌باشند و بعضی دیگر نیز خارج از خاندان اموی هستند ولی همزمان آنها اقدام به ضرب سکه نموده اند.

۱- ضرب سکه توسط معاویه

مقریزی می‌نویسد: معاویه سکه‌های درهم و دیناری ضرب کرد که تصویر خودش بر روی آن نقش بسته بود. (مقریزی، بی: تا: ۶۰) ولی به دلیل آشنا بی با درهم و دینارهای ایران و روم و آگاهی از ارزش اقتصادی آن، اقدام به ضرب سکه کرد. یک طرف آن سکه‌ها نام معاویه حک شده بود، ولی این سکه‌ها ارزش زیادی نداشت و جایگاه زیادی نیافت و تاثیر زیادی در بهبود وضعیت اقتصادی ایفا نکرد. (بلادری، ۱۳۹۸: ۴۶۴-۴۷۰) معاویه بر سکه‌های دانق (یک ششم درهم) و دینار، مردم را که به کمر شمشیر آویخته بود نقش کرد. (طقوش، ۱۳۸۴: ۱۴۳)

۲- ضرب سکه توسط زبیریان

آل زبیر که می دانستند ضرب سکه نقش مهمی در قدرتمندی آنها دارد اقدام به ضرب سکه در شهر مکه نمودند. مصعب بن زبیر در سال هفتاد هجری به پیشنهاد برادرش عبدالله بن زبیر سکه هایی همانند سکه های خسروان پارسی که گرد بود ضرب کرد که روی آن کلمه برکت و کلمه الله نقش داشت و چون حجاج آمد آنها را تغییر داد. (مقریزی، بی تا: ۱۹۶ و ماوردي، بی تا: ۱۹۶ و بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲).

۳- در منابع تاریخی آمده است که فردی بنام قطروی بن فجاءه خارجی نیز اقدام به ضرب سکه نمود ولی سکه های او رواج چندانی نیافت. (ماوردي، بی تا: ۱۹۶)

۴- ضرب سکه در زمان یزید بن عبدالملک(۱۰۵-۱۰۱)

والی او در عراق شخصی بنام عمر بن هبیره بود. ابن هبیره در زمان ولایت خود در عراق بهترین و خالصترین سکه های اموی را ضرب نمود در هم هایی نیکوبی ضرب نمود و در ضرب این درهم ها تلاش فراوانی نمود. وزن سکه های شش دانگ بود. سکه های ضرب شده توسط ابن هبیره، هبیری معروف می باشد (همان و ابن خلدون ۱۴۰۸: ۳۲۳ و فراء، ۱۴۱۴: ۲۰۲)

۵- ضرب سکه در زمان هشام بن عبدالملک

خالد بن عبدالله بن بجلی قسری وقتی که ولایت عراق یافت اقدام به ضرب سکه نمود. او در کارش دقت و توجه بسیار زیادی داشت که دقتی از ابن هبیره هم بیشتر بود. او در سال ۱۰۶ قمری وزن درهم ها را در هفت دانگ ثبت کرد. سکه های ضرب شده توسط خالد بن عبدالله، خالدی نامیده می شود. (همان و ماوردي، بی تا: ۱۹۶)

۶- ضرب سکه در زمان ولید بن یزید

یوسف بن عمر وقتی که بعد از خالد بن بجلی در زمان خلافت ولید بن یزید والی عراق شد اقدام به ضرب سکه کرد و در کارش بسیار سخت گیری کرد و بر سکه زنان و غیر پوشان افراد ورزیدو دست ها زیادی برید و تازیانه های زیادی زد. سکه های ضرب شده توسط یوسف بن عمر، سکه های یوسفی نامیده می شود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۷)

۷- ضرب سکه توسط حجاج بن یوسف ثقی

حجاج بن یوسف که از والیان اموی بود که خود اقدام به ضرب سکه نمود. عباس بن هشام کلبی از پدرش و او از عوانه بن حکم روایت می کند که حجاج برآن شد که بداند پارسیان در ضرب درهم چکار

می کردند. پس خود دارالضربی درست کرد و سکه زنان را در آن گرد آورد و به نام مرکز خلافت از مالی که در خزانه داشت سکه ضرب می کرد و به این منظور هرچه سیم خالص داشت جمع می گردید و سیم هایی که از زیوف و ستوقه و بهرجه به دست می آمد در ضرب سکه ها استفاده می کرد. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۶) سکه هایی که حجاج در عراق ضرب کرد، «درهم های مکروه» نامیده می شد؛ زیرا او سوره‌ی «قل هو الله احد» را بر روی سکه ها نوشت. فقهای کار حجاج به دلیل نوشتن قران بر سکه اعتراض کردند و آنرا مکروه دانستند و به همین دلیل آن، مکروه نامیده شد. حجاج بن یوسف ثقی و زن سکه ها را شش دانگ کرد (بلاذری، ۱۴۱۴: ۴۵۴، فراء، ۱۳۹۸: ۲۰۲) حجاج در امر سکه در عهد امویان چندین اقدام انجام داد:

الف: ضرب سکه

ب: داغ کردن دست ضرب کنندگان سکه های تقلیبی

ج: دادن اجازه ضرب سکه به بازار گانان و صنعتگران

د: دریافت مالیات ضرب سکه. (همان)

از نظر وزن سکه هیری و خالدی و سکه های ضرب شده توسط حجاج از با اعتبارترین سکه های دوره ای اموی به حساب می آید که در آن شکل های مثل شتر، اسب، فیل، خرگوش، درخت، ماه و ستاره دیده می شود. (دیانت، ۱۳۶۷: ۷۸-۷۹ و فراء، ۱۴۱۴: ۱۰۱)

۸- ضرب سکه در زمان عبدالملک مروان

در فتوح البلدان بلاذری چندین روایت آمده است که همگی متفق القول هستند که ضرب سکه اسلامی مستقل در زمان عبدالملک بن مروان انجام شد و به صورت گسترده انتشار یافت.

الف: محمد بن سعد از واقدی و از عثمان بن عبدالله بن موهب و او از پدرش روایت می کند که به سعید بن مسیب گفتم اولین کسی که دینار را نقشدار ضرب کرد چه کسی بود؟ او جواب داد عبدالملک بن مروان. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۴)

ب: محمد بن سعد از محمد بن عمر از ابن ابی الزناد و او از پدرش روایت می کند که عبدالملک اولین کسی بود که در عام الجماعه یعنی در سال ۷۴ هجری سکه زرین بزد. (همان)

ج: داود ناقد می گوید: ابو زیر ناقد به من گفت: عبدالملک بن مروان در سال ۷۴ هجری دیناری ضرب کرد و سپس در سال ۷۵ هجری باز از همان دینارها بزد. (همان: ۳۷۵)

د: محمد بن سعد از واقدی از ابن ابی الزناد و او از پدرش نقل می کند که عبدالملک اولین کسی بود که در سال ۷۴ هجری اقدام به ضرب سکه کرد. (همان)

براساس روایات تاریخی ذکر شده و روایات مشابه دیگر استباط می گردد، که عبدالملک مروان برای اولین بار به ضرب دینار اقدام کرد. این دینار که در دمشق ضرب می شد به الدمشقیه معروف گشت.

(بلاذری، ۱۳۹۸: ۶۵۴-۴۵۵) عبدالملک مروان در صدد برآمد تا طراز رومی را به عربی تبدیل کند. امپراطوری روم از این قضیه خشمگین شد و عبدالملک را تهدید کرد که اگر چنان کند او نیز فرمان می‌دهد روی دینارهای رومی به رسول خدا (ص) ناسزا گویند. او به هراس افتاد و کمک خواست. امام باقر(ع) به او پیشنهاد کرد که از استادان ماهر کمک بخواهد که سکه‌های درهم و دینار ضرب کنند و روی آن کلمه توحید و نام رسول خدا (ص) نقش نمایند. (زیدان، ۱۳۷۳: ۱۰۲) و خود را از سکه‌های رومی بی نیاز سازند.

عبدالملک دستور داد سوره‌ی توحید و کلمه‌ی رسول خدا (ص) را در دو طرف درهم‌ها و دینار‌ها نقش کنند و در کناره‌ی سکه، سال و محل ضرب حک شود. وی به وزن این درهم‌ها و دینارها توجه داشت که خدش ای در آن وارد نشود. آنگاه دستور به کار گرفتن سکه‌های جدید را در معاملات داد و هر متخلفی را تهدید به تعزیر، حبس طولانی و قتل نمود. (طقوش، ۱۴۳: ۱۳۸۴) سکه‌های عهد عبدالملک «سمیریه» نامیده می‌شد؛ زیرا کسی که این سکه‌ها را ضرب می‌کرد و کار آن را انجام می‌داد، یک فرد یهودی به نام سُمیر بود. (مقریزی، ۱۴۰۸: ۶۳)

بهترین رخداد در زمان امویان در ضرب سکه این بود که به دستور عبدالملک، حاجج بن یوسف ثقیی راهی در پیش گرفت تا از هر گونه غش و تقلب در سکه جلوگیری شود. این جنبش و تحولی در ضرب سکه است و زمانی که شهر واسط تاسیس شد در آن ضرایخانه‌ای بنا کردند که در آن به ضرب سکه پرداختند و نوعی یکسان سازی و یکنکش شدن سکه‌ها انجام شد.

اقدامات عبدالملک مروان در مورد ضرب سکه:

الف: ضرب سکه مستقل اسلامی همزمان جنبش تعریف

ب: انتشار سکه‌های ضرب شده در سطح وسیع

ج: بر خورد جدی با مقلبان سکه.

د: تاسیس ضرایخانه در شهرها.

ه: دریافت مالیات ضرب سکه.

و: نوشتن آیات قرآنی و اسم رسول خدا بر روی سکه‌ها.

نتایج ضرب سکه مستقل اسلامی در دوره‌ی امویان

ضرب سکه‌های مستقل اسلامی در دوره امویان و رواج آن در مبادلات نتایجی به همراه داشت که شرح آن چنین است:

- ۱- از میان بردن تفاوت در میزان زکات مهریه و دیه که عبدالملک در هنگام ضرب سکه به آن توجه داشت. او در وزن همان نسبت قدیمی را که رسول خدا (ص) گفته بود به کار بست و به دستور او درهم‌هایی به وزن ده مثقال و دینارهایی به وزن هفت مثقال ضرب شد. (بلاذری، ۱۳۹۸: ۶۵۴)

- ۲- رها شدن از پول هایی که علامت تثیت مسیحیت داشت و نماد مذهبی بود.
- ۳- رها شدن از پول های ایرانی ها که در زمان ساسانیان ضرب شده بود.
- ۴- یکسان سازی پول و سکه و عربی کردن آن که حکومت اموی را در پیشیرد اوضاع سیاسی و اقتصادی عصر عبدالملک و رسیدن به اهداف آن یاری رساند. (حلاق، ۱۰۹: ۱۹۸۹)
- ۵- آزادی سیاست عرب از قید نفوذ بیگانگان که زمینه ساز آزادی اقتصادی بود. (طقوش، ۱۳۸۴: ۱۴۴) از ضرابخانه های امویان در شهر های دمشق، کوفه، واسط، فسطاط، اسکندریه، افریقیه و اندلس آثاری کشف شده است که نشان از وسعت مناطق ضرب سکه در عصر امویان دارد. (سپهری، ۳۱۲: ۱۳۸۹)

نقش ها و نوشته های روی سکه های دوره اموی

باتوجه به ضرب سکه اسلامی به صورت وسیع در دوره امویان نقش و نگارها و نوشته های روی سکه ها نیز به زبان عربی گردید که شامل موارد ذیل است:

- ۱- روی سکه ها لا الله الا الله وحده لا شریک له و اطراف آن بسم الله همراه نام شهر و سال ضرب نیز داشت. روی دیگر سکه الله احد، الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد و اطراف آن محمد رسول الله ارسله بالهدا و دین الحق لیظره علی الدين کله و لو كره المشركون نوشته شده بود.
- ۲- سکه هایی هم منقوش به تصویر عبدالملک بود.
- ۳- حجاج بر روی سکه های ضرب شده زمانش سوره قل هو الله احد را نوشت بر اساس همین فقهاء ایراد گرفتند و این کارا را مکروه دانستند و آنرا مکروهه نامیدند. (بلادری، ۱۳۹۸: ۴۵۴)
- ۴- سکه ضرب شده توسط زیریان یک طرف آن برکت و طرف دیگر شکننده نقش شده بود. (بلادری، ۱۳۴۶: ۳۷۵)

مالیات های وضع شده بر ضرب سکه توسط امویان

در زمان عبدالملک مروان زمانی که سکه های عربی و اسلامی ضرب شد مالیات ضرب سکه نیز معمول گردید. در زمان او از هر صد درهم یک درهم مالیات ضرب سکه می گرفتند. (دوری، ۱۹۷۴: ۲۲۱) از یک طرف ضرب سکه منع درآمد خوبی برای امویان بود و از طرف دیگر مالیات ضرب سکه نیز منع دیگر درآمد برای آنها بود؛ که باعث رونق اقتصادی حکومت شده بود.

مالیات مالیات ضراب خانه

از مالیاتهایی نامشروع در زمان امویان، مالیات ضرب سکه و پول در ضراب خانه ها بود که «ثمن الخطب و آجر الضراب» نامیده می شد یعنی قیمت هیزم و اجرت سکه زدن که مقدار آن در زمان خلیفه عبدالملک بن مروان در مقابل هر صد درهم، یک درهم بود و مقدار این مالیات بر اساس شهرها گوناگون بود که

مالیاتی غیر شرعی ولی در آمدزا برای امویان بود که در آمد آن‌ها حدود ۲۰۰ هزار دینارو هر دیناری هفده درهم ارزش داشته است. (زیدان، ۱۰۴: ۱۳۷۹)

مالیات بر ضراب خانه برای اولین بار در زمان بنی امیه و خصوصاً در دوره عبدالملک بن مروان رواج یافت. این زمان که اوچ رشد سکه و ضرب آن بود ظهرور یافت. این خلیفه اموی سکه‌های ایرانی و رومی را از دور خارج کرد و دستور داد که یکسان سازی سکه‌ها صورت گیرد و سکه‌های اسلامی ضرب گردد که در شهرهای دمشق کوفه، واسطه، فسطاط، اسکندریه، افریقیه و اندلس ضرابخانه‌های ضرب سکه وجود داشت. (سپهری، ۳۱۲: ۱۳۸۹) و از این ضرابخانه‌ها مالیات‌های زیادی دریافت می‌شد که همه یکسان نبود ولی در آمد خوبی برای دولت اموی بود.

مالیات اجاره کارگران ضرب سکه

وقتی که ضرب سکه اسلامی به طور وسیع گسترش یافت؛ کارگران زیادی در ضرابخانه‌های ضرب سکه مشغول به کار شدند و از این طریق کسب درآمد می‌کردند. دولت اموی برآن شد که از این کارگران مالیات دریافت نماید تا این طریق کسب درآمد نماید. هر کس از پرداخت این مالیات سرباز می‌زد از کارکردن منع می‌گردید؛ تا اینکه عمر بن عبدالعزیز آنرا الغو کرد. (ابویوسف: ۹۶ و ۹۳)

مالیات خبرگان تشخیص سکه

در دوره امویان سکه‌های نقدگوناگونی در بازار وجود داشت؛ از جمله سکه‌های قیصری روم و کسرایی ایران و سکه‌هایی که توسط مسلمانان در دوره هایی گوناگون ضرب شده بود. تا اینکه در دوره عبد الملک بن مروان سکه عربی - اسلامی واحد ضرب شد. وجود انواع و اقسام سکه‌ها در بازار و گوناگونی آنها باعث تشتت در امر تشخیص درست از نادرست سکه‌ها شده بود. لذا عده‌ای که در تشخیص انواع سکه‌ها خبره بودند و سکه‌های سره از ناسره را تشخیص می‌دادند و این کار را در قبال دریافت هزینه انجام می‌دادند و از این طریق کسب درآمد می‌کردند. حکومت اموی از اینها مالیاتی بنام "اصحاب الخبره" فی تمیز النقود" دریافت می‌کرد. (ابن عبد الحكم، ۱۹۲۲: ۱۲۹)

برخورد امویان با سکه‌های تقلیبی

سکه تقلیبی سکه‌ای است که از فلزات ارزان قیمت، به ظاهر به صورت سکه اصل ساخته می‌شود. در گذشته و حال کسانی که سکه تقلیبی می‌ساختند، برای انجام کار خود بیشتر از فلزات ارزان چون مس و برنج سکه‌هایی شیوه به اصل فراهم می‌نمودند و بعد روی آنها را با آب زر یا سیم می‌پوشاندند و به جای سکه‌های اصل روانه بازار می‌کردند.

نکته مهم آن که در بررسی‌های تاریخی مشاهده می‌شود، هرگاه در ارکان اداری حکومت‌ها سنتی پدیدار گردد، همان طوری که در تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه خلل و تقلب پدید می‌آید. ضرب سکه نیز از این دایره عمل بیرون نبوده و تقلب سکه هم نمودار می‌گردد و گسترش می‌یابد علت دیگری را هم که سبب رواج بازار سکه تقلیبی می‌گردد، نباید از نظر دور داشت، آن هم کمیابی سکه در سطح جامعه است که به دلایل مختلف ممکن است رخ دهد

انسان همیشه متوجه تقلب و سوء استفاده‌های افراد سودجو بوده است. در زمان جاهلیت مردم مکه که از سکه‌های رومی و ایرانی در معاملات استفاده می‌کردند مواظب تقلب در جنس و عیار سکه‌ها بودند. آنها از سکه‌هایی که از سیم و زر خالص و عیار مناسبی برخوردار نبودند در معاملات خود استفاده نمی‌کردند.

(بالذری، ۱۳۴۶:۳۷۲)

در دوره‌ی امویان زمانی که مسلمانان به طور رسمی اقدام به ضرب سکه اسلامی کردند. ارزش سکه‌ها از طلا و نقره بود به همین دلیل پول رایج کشور اسلامی ارزشمند بود. در این میان خطر تقلب هم وجود داشت. پس لازم بود که برخورد جدی با سکه‌های تقلیبی شود تا کسی فرصت سوء استفاده پیدا نکند. عده‌ای اقدام به ضرب سکه‌های تقلیبی جهت سود خود کردند که این تقلب به صورت گوناگون مانند بریدن سکه‌ها، کم کردن وزن آنها و آمیختن فلزهای کم بهای و بی ارزش با طلا و نقره بود. (بالذری، ۱۳۹۸: ۴۵۳) در دوره‌ی اموی، یکی از مهم ترین موضوعات در مورد سکه‌ها و ضرب آن، عدم نظارت حکومت مرکزی بر ضرب مسکوکات و سکه‌ها بود که اسباب به وجود آمدن تقلب در آنها می‌شد. ضرب این سکه‌های مقلوب و تقلیبی با نام‌های تاریخی آمده است، از جمله سکه‌ی تقلیبی با نام «المفرغه» یا سکه تقلیبی دیگری بنام «الزیوف» نمونه‌هایی از سکه‌های تقلیبی است. (شوشتاری، ۱۳۳۹: ۶۷) «المفرغه» و «الزیوف» به معنای اصطلاحی تو خالی و بی اصلت می‌باشد و به نوعی اشاره به سکه‌ی تقلیبی است. بر اساس همین تقلب‌ها در سکه بود که عبدالملک اموی به حاجاج بن یوسف ثقیف دستور داد درهم‌ها را ضرب کنند و مسکوک‌های درست از نادرست را تشخیص دهند. (دیانت، ۱۳۶۷:۷۳)

بالذری روایت‌های تاریخی متعددی را ذکر کرده که حکایت از برخورد جدی با تقلب و تحلف در امر ضرب سکه و مجازات متخلفین دارد.

۱- عمر و عثمان هرگاه در بیت المال سکه ناروان می‌یافتدند (اضافات آنرا بیرون می‌کردند) سیم سره آنرا بر می‌گرفتند. (بالذری، ۱۳۴۶: ۳۷۷)

۲- در زمان خلافت عمر عبدالله بن مسعود هرگاه سکه نادرستی در بیت المال می‌یافت آنرا به مالی که بهای آن اندک بود می‌فروخت. عمر اورا از این کار نهی کرد و آن تاریخ به بعد عبدالله بن مسعود آن سکه‌ها را ذوب می‌کرد. (همان)

۳- در دوره‌ی عبدالملک کسانی که اقدام به ضرب سکه‌ی تقلیبی کرده بودند، به سختی عقاب و شکنجه شدند. از جمله مردی را نزد او آوردند که چنین کرده بود و او دستور داد که به شدت او را مجازات کنند،

ابتدا می خواست دست او را قطع کند ولی از این کار چشم پوشی کرد و به سیاست او اقدام نمودند.
(بالذری، ۱۳۹۸: ۴۵۵)

۴- در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز مردی نزد او آوردند که سکه هایی غیر از سکه های رایج ضرب

می کرد. عمر اورا سیاست کرد و به زندان انداخت و آهن سکه سازی اورا بگرفت و به آتش انداخت.

(بالذری، ۱۳۴۶: ۳۷۸)

۵- ابان بن عثمان زمانی که والی مدینه بود کسانی را که درهمها را قطعه قطعه می کردند (تقلب در سکه ها) را سیاست می کرد و هر یک سی تازیانه می زد و گرد شهر می چرخاند.

۶- مروان حکم مردی که درهم های (پارسی) را قطعه قطعه می کرد را دستگیر نمود و دستش را برید. چون

این خبر به زید بن ثابت رسید گفت: جزايش را داده است. (بالذری، ۱۳۴۶: ۳۷۸)

نتیجه گیری:

در دوران جاهلیت اعراب عربستان از سکه های بغلی ایرانی و هرقیل رومی در مبادلات تجاری خود بهره می برندند و هیچ سکه ای در این سرزمین ضرب نمی گردید. در دوران رسول خدا (ص) نیز هیچ سکه ای ضرب نگردید و مسلمانان از سکه های رومی و ایرانی استفاده می کردند.

در عهد خلفای راشدین فقط گزارش هایی مبنی بر ضرب سکه توسط عمر و حضرت علی (ع) وجود دارد که ظاهرا حضرت علی (ع) اولین سکه مستقل اسلامی بین سالهای ۴۰-۳۵ هجری ضرب نموده است که گسترش زیادی نیافت.

در دوره امویان اقداماتی جهت ضرب سکه انجام گرفت؛ معاویه اقداماتی انجام داد و سکه هایی ضرب نمود. در دوران خلفای دیگر اموی والیان آنها مانند عمر بن هبیره والی عراق در زمان خلافت یزید بن عبدالمالک و خالد بن عبد الله بجلی قسری والی عراق در زمان خلافت هشام بن عبدالمالک و یوسف بن عمر والی عراق در زمان خلافت ولید بن یزید به ترتیب سکه های معروف به هبیری، خالدی و یوسفی ضرب نمودند. این سکه هادر نوع خود بهترین بودند ولی گسترش و انتشار زیادی نیافتدند.

در زمان عبدالمالک بن مروان اقدام گسترده و فراگیری به همراه جنسش تعریب صورت گرفت. او دستور ضرب سکه های اسلامی را در سال ۷۶ هجری را دادند و تا سال ۷۶ هجری به طور گسترده این سکه در مبادلات تجاری جایگزین بقیه سکه شد. نتایج بسیار خوبی هم برای استقلال اقتصادی مسلمانان به همراه داشت.

در این دوره ضرابخانه های متعددی جهت ضرب سکه در شهرهایی مانند دمشق، کوفه، فسطاط، اسکندریه، افریقیه و اندلس احداث شده بود. در این ضرابخانه ها کارگران متعددی کار می کردند و از این طریق اموراً معاش می نمودند که مالیات هایی بر کار ضرابخانه ها و بر کار کارگران شاغل در آن وضع شد.

خلفای اموی با سکه های تقلیبی هم مقابله نمودند و هر کسی که تلاش می نمود در امور سکه ها تقلب نمایدو از وزن و عیار آن بگاهد یا سکه شیبه آن ضرب کند، با شدیدترین وضع با او برخورد می گردید تا حدی که بلاذری از بریدن دست و زدن تازیانه هم نام برده است.

فهرست منابع و مأخذ

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد حضری، ۱۹۶۷م بیروت، مقدمه، جلد ۳، دارالکتاب البنائی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۴۰۸ھ مقدم: تصحیح: خلیل شعاده: مراجعه: سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۹۸۱م، الصیر و دیوان المبتدأ و الخبر، دوره ۷جلدی، دارالکتب اللبناني، بیروت.
- ابن عبدالحكم (ابی القاسم عبدالرحمن بن عبدالله)، ۱۹۳۰م، فتوح مصر و اخبارها، چاپ لیدن.
- ابن عبدالحكم، ابو محمد عبدالله، ۱۹۶۷م، سیره عمرین عبدالعزیز، تصحیح، احمد عیید، دارالعلم للملائیین، بیروت.
- ابن عبدالحكم، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، ۱۹۲۲، فتوح مصر و اخبارها، نشر جارلس توری.
- ابن قبیله دینوری، ۱۹۸۱م، الامامه و السیایه، چاپ سوم، موسسه الوفاء، بیروت.
- ابو عیید، قاسم بن سلام، اموال، چاپ اول، ناصر للثقافه، بیروت، ۱۹۸۱م.
- ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۷۹م.
- امام شوشتّری، محمد علی (۱۳۳۹) تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶) فتوح البلدان، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۹۸ھ فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالمکتب العلمیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۷۹م، انساب الاشراف، جلد ۱، بنو عبد شمس، تحقیق دکتر احسان عباس، دارالنشر.
- بلاذری، احمدبن یحیی، ۱۹۳۲، فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، قاهره، چاپ مصر.
- حسینی، محمد باقر، ۱۹۶۹م، تطور النقود الاسلامیه، بغداد، دارالجاحظ.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۵۴ش) تأثیر ایرانیان در تاسیس و اداره دیوان اسلامی و مبدأ تاریخ و سکه، تهران
- حلاق، حسان علی، تعریب النقود والدواوین، بیروت، دارالکتاب اللبناني، ۱۹۷۶م
- حموی، یاقوت (ابو عبدالله رومی)، معجم البلدان، ۵جلدی، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۹م.
- دوری؛ عبدالعزیز، تاریخ العراق الاقتصادي في القرن الرابع الهجري، طبع الثانی، دار مشرق، بیروت، ۱۹۷۴م.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷ش) فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها، تبریز.
- زیدان، جرجی، ۱۳۷۹، تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر.
- سپهری، محمد، ۱۳۸۹-تهران، تمدن اسلامی در عصر اموی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- شوشتّری، محمد علی، ۱۳۳۹ش، تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی، تهران.
- صابی، هلال بن محسن، ۱۹۶۴، رسوم دار الخلافه، تحقیق میخائيل عواد، چاپخانه عانی، بغداد.

- طبری، محمد بن جریر طبری، ۱۴۰۸هـ تاریخ الرسل والملوک، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۹۶۷م، تاریخ الرسل والملوک، ۱۱ جلدی، چاپ دوم، دارالمعارف، قاهره.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۴) دولت امویان، ترجمه‌ی حجت الله جودکی، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فراء، ابو یعلی، الاحکام السلطانیه، محمود حسین بیروت دارالفکر ، ۱۴۱۴ق.
- کاهن، کلود (۱۹۸۳) تاریخ العرب و الشوب الاسلامیه، ترجمه بدر الدین قاسم، چاپ سوم: دار الحقیقت بیروت.
- کبسی و عواد (بی تا) حمدان عبدالمجید و مجید الاعظمی، دراسات فی تاریخ الاقتصاد.
- کتانی، عبدالحی (۱۳۷۶) التراتیب الاداریه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، احکام السلطانیه و الولايات الدينیه، دار الكتب العلمیہ، بیروت.
- مفید، ابو عبدالله محمدبن نعمان (۱۴۱۳) الارشاد، تحقیق: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، موسسه آل البيت.
- مقریزی، ابوالعباس، الخطاطالمقریزیه، دو جلدی دار صادر ، بیروت. بی تا
- یحیی بن آدم، الخراج، تصحیح احمد محمد شاکر، بیروت دار المعرفه.

